**پیامدهای قیام پانزده خرداد سال 42**

غائله انجمن‌هاى ایالتى و ولایتى، رفراندوم «انقلاب سفید»، فاجعه مدرسه فیضیه و واكنش‌هاى امام و روحانیت در برابر این وقایع زمینه را براى رخدادى بزرگ فراهم آورد. رخدادى كه به تحولى گسترده در تاریخ مبارزات مردم مسلمان ایران انجامید.

با فرارسیدن ماه محرم، فرصتى مناسب براى گسترش دامنه قیام و هدایت مردم به سوى یك مبارزه بزرگ به دست آمد. رژیم، كه از این حقیقت آگاه بود براى خنثى كردن چنین حركتى به تهدید و ارعاب واعظان و روحانیان پرداخت و از آنان خواست ضمن پرهیز از سخنان تحریك آمیز، موارد زیر را رعایت كنند:

1ـ علیه شخص اول مملكت سخن نگویند؛

2ـ علیه اسراییل صحبت نكنند؛

3ـ عبارت «اسلام در خطر است» را به كار نبرند.

این تهدیدها در نهایت راه به جایى نبرد و در بیشتر مجالس سوگوارى، روحانیان مردم را با خیانت‌هاى رژیم آشنا ساختند.

این اعتراض‌ها در روز عاشورا به ویژه هنگام سخنرانى امام خمینى در مدرسه فیضیه به اوج رسید. امام در نطق آتشین در عصرعاشورا (13 خرداد 42) حكومت پهلوى را با دودمان بنى امیه و یزید مقایسه كرد، به طور مستقیم شاه را مورد انتقاد و حتى تهدید قرار داد و درباره همسویى‌اش با اسراییل و صهیونیسم به وى هشدار داد.

پس از این سخنرانى، حركت‌هاى اعتراض آمیز كه از روزهاى نخستین محرم آغاز شده بود، شدت یافت. در بیشتر شهرستان‌ها مردم به خیابان‌ها ریختند و ضمن حمایت از روحانیت، علیه شاه شعار دادند.

هر چند، بر اساس اسناد موجود، رژیم خود را براى مقابله با تظاهرات تاسوعا و عاشورا(12 و 13 خرداد 42) آماده ساخته بود؛ ولى تظاهرات تهران و قم چنان گسترده بود كه مأموران ناگزیر واكنش شدیدترى نشان دادند. بر اساس گزارش شهربانى تهران، در تظاهرات روز چهاردهم خرداد حدود 124 نفر از ساكنان پایتخت دستگیر و تعداد زیادى شهید و مجروح شدند.

رژیم شاه كه در تنگنایى دشوار گرفتار شده بود، براى خاموش كردن موج گسترده مبارزات نیمه شب 15 خرداد 1342 به منزل امام خمینى یورش برد؛ وى را دستگیر كرد، شتابان به پادگان قصر و بعد از مدتى به پادگان عشرت آباد انتقال داد و در آن جا زندانى ساخت.

در پى دستگیرى امام خمینى، اعتراض‌ها و راه پیمایى‌هاى گسترده در همه كشور صورت گرفت كه ضمن آن بسیارى از مردم مسلمان شهید و مجروح شدند.

بر اساس گزارش‌هاى شهربانى، تهران در آتش و خون به سر مىبرد؛ مردم در نقاط مختلف پایتخت با مأموران به مقابله پرداختند و وزارت جنگ مأموریت یافت ضمن اعلام حكومت نظامى، قیام را سركوب كند.

فجیع‌ترین حادثه، قتل عام دهقانان كفن پوش ورامینى بود كه براى پشتیبانى از امام سمت تهران رهسپار شده بودند. مأموران نظامى در سر پل باقرآباد با آن‌ها روبه رو شدند و با سلاح‌هاى سنگین آنان را قتل عام كردند.

دستگاه‌هاى تبلیغاتى شاه، كه با وضعیتى نامنتظره روبه رو شده بودند. كوشیدند قیام پانزده خرداد را به عوامل بیگانه نسبت دهند. رژیم در رسانه‌هاى خبرى خود چنین ادعا كرد:

شخصى به نام عبدالقیس از بیروت با هواپیما وارد ایران شده و در گمرك مهرآباد در حدود یك میلیون تومان از او به دست آمده و پس از تحقیقات، اعتراف كرده كه مبلغ مزبور را از طرف جمال عبدالناصر براى افراد معینى در ایران آورده است.

ادعاى رژیم، مبنى بر دخالت مصر در ایجاد شورش در ایران، مورد انتقاد بسیارى از نشریات خارجى واقع شد. رژیم سندى در این باره ارائه نكرد و هرگز نتوانست آن را اثبات كند.

**نتایج و پیامدهاى قیام 15 خرداد**

شالوده فكرى قیام پانزده خرداد را باید در رهیافت امام خمینى در تغییر نظام سلطنتى و برقرارى حكومت اسلامى جستجو كرد؛ رهیافتى كه امام بر اساس آن در مسأله انجمن‌هاى ایالتى و ولایتى با تغییر قانون اساسى به مخالفت پرداخت، رفراندوم را با پرسش رو به رو ساخت، علیه نظام حاكم به افشاگرى پرداخت و این هدف را پانزده سال بعد به ثمر رساند.

قیام 15 خرداد و حوادث مربوط به آن، آثارى بر جاى نهاد كه در تداوم و موفقیت نهایى نهضت تأثیر جدى داشت. بخشى از این آثار عبارت است از:

**1ـ دور جدید مبارزات روحانیت**

ضربه‌هایى كه در پى نهضت مشروطه بر روحانیت فرود آمد و نیز اختناق و سركوبى دوره استبداد رضاخانى، روحانیت را از صحنه سیاسى كشور كنار زد. پس از آن نیز، به رغم مبارزات آیت الله كاشانى و فدائیان اسلام و حمایت فقیهانى چون مرحوم آیت الله خوانسارى، حوزه‌ها با دخالت در مسائل سیاسى بیگانه بودند. با آغاز نهضت امام، روحانیت شكل سیاسى به خود گرفت؛ گسترده و یكپارچه به صحنه سیاسى كشور گام نهاد و مبارزه را تا سرنگونى نظام شاهى ادامه داد.

**2ـ مركز قرار گرفتن نیروهاى معارض مذهبى**

با این قیام، مخالفان مذهبى رژیم در مركز قرار گرفتند و نیروهاى معارض غیرمذهبى، مانند احزاب سیاسى ملى گرا و نیروهاى چپ، به حاشیه عرصه سیاست كشور رانده شدند.

**3ـ رشد آگاهى و تفكر انقلابى در مردم**

در پرتو سخنرانىها، پیام‌ها و اعلامیه‌هاى عالمان و خطیبان به تدریج میزان آگاهى مردم فزونى یافت.

**4ـ افشاى چهره مزدورانه شاه**

شاه پیوسته مىكوشید خود را بىگناه، حامى اسلام و روحانیان جلوه دهد و با ابزارهایى چون تعویض نخست وزیر، دولت را مسؤول نابسامانىها نشان دهد.

قیام خونبار 15 خرداد، شاه را ناگزیر ساخت به این ریاكارىها و نیرنگ بازىها پایان دهد و با چهره‌اى عریان به صحنه آید. پس از كشتار مردم، همه دریافتند كه ریشه تمام فسادها و خرابىها شاه است و باید آماج تیرهاى اعتراض قرار گیرد. وقتى خبر حمله پلیس و مأموران نظامى به مردم و روحانیان (در قضیه مدرسه فیضیه) به رهبر بزرگ انقلاب رسید، چند بار پیاپى فرمود: رژیم خود را رسوا كرد و ماهیت خود را بروز داد.

**5 ـ تشكیل سازمان ها و گروه‌هاى اسلامى**

تا پیش از قیام 15 خرداد، نیروهاى مسلمان تشكیلاتى نداشتند و دست كم از تشكیلات موفق و كارآمد بىبهره بودند.

پس از قیام 15 خرداد، ضرورت تشكیلات و ایجاد سازمان‌هایى جهت هدایت مبارزات مورد توجه نیروهاى مذهبى قرار گرفت. هیأت‌هاى مؤتلفه ره آورد این اندیشه است كه از به هم پیوستن گروه‌هاى مختلفى چون دانشجویان، روحانیان و بازاریان، با اطلاع حضرت امام و در ارتباط با ایشان، شكل گرفت. این گروه پس از تبعید حضرت امام، از فعالیت‌هاى آموزشى و عقیـدتى سمت سیاست و مبارزه مسلحانه تغییر جهت داد و به یك سازمان سیاسى ـ نظامى تبدیل شد. در این زمان، حزب ملل اسلامى نیز با هدف برقرارى حكومت توحیدى اسلامى، اعلام موجودیت كرد و مردم را به مبارزه مسلحانه با رژیم فراخواند.

افزون بر این پس از قیام 15 خرداد، انجمن‌هاى اسلامى در مراكز مختلف شكل گرفت و در رشد آگاهى عمومى نقشى ارزنده ایفا كرد. پدید آمدن این سازمان‌ها و گروه‌هاى كوچك و بزرگ نشان دهنده آن است كه ضرورت مبارزه سازمان یافته در اندیشه مردم ریشه دوانیده بود.

**6ـ گسترش اندیشه براندازى رژیم به جاى اندیشه‌هاى رفرمیستى**

**احیاى كاپیتولاسیون و تبعید امام خمینى**

در 13 مهرماه 1342، دولت عَلَم مصوبه‌اى صادر كرد و بر اساس آن مقرر شد هنگام تقدیم "قرارداد وین" به مجلس، ماده واحده‌اى به آن پیوست شود تا به یارى آن كارمندان هیأت‌هاى مستشارى امریكا در ایران از امتیازات و مصونیت‌هاى مربوط به كارمندان ادارى و اعضاى فنى مذكور در قرارداد وین برخوردار شوند. این ماده واحده همان كاپیتولاسیون بود.

علت پیوند دادن كاپیتولاسیون با قرارداد وین، وحشت هیأت حاكمه از خشم ملت ایران بود. آنان مىكوشیدند با بهره‌گیرى از جنبه بین المللى قرارداد وین مردم را فریب دهند.

نخست وزیر، حسنعلى منصور، قرارداد وین و لایحه پیوستى را، كه در مرداد 1343 به تصویب مجلس سنا رسیده بود، به مجلس شورا برد و با تلاش بسیار مجلس را واداشت آن را تصویب كند.

سابقه كاپیتولاسیون در ایران به شكست ایران از روسیه و تحمیل پیمان تركمنچاى باز مىگردد. پس از انقلاب 1917 روسیه، در پیمان دوستى ایران و شوروى (1921) ماده مربوط به كاپیتولاسیون لغو گردید.

یازده روز پس از تصویب معافیت نظامیان آمریكایى از شمول مقررات قضایى ایران، دولت منصور لایحه وام 200 میلیون دلارى از یك بانك امریكایى را با تضمین دولت امریكا، به مجلس برد و به تصویب رساند. این وام به خرید سلاح‌هاى جنگى از امریكا اختصاص داشت.

محافل سیاسى ایران واگذارى این وام را پاداش آمریكا به ایران، به خاطر تصویب لایحه كاپیتولاسیون به شمار آوردند.

چند روز پس از تصویب این لایحه، یك نسخه از مشروح مذاكرات مجلس به دست امام رسید. امام از مفاد لایحه برآشفت و در سخنرانى تاریخى چهارم آبان 1343، شاه، آمریكا و اسرائیل را به شدت مورد حمله قرار داد.

متن كامل این سخنرانى و اعلامیه‌اى كه امام پس از آن منتشر كرد، در حجمى گسترده تكثیر و به سرعت در اختیار مردم قرار گرفت و واكنش مردم، گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه را در پى داشت.

**پیامدهاى احیاى كاپیتولاسیون**

تبعید امام خمینى،(1) ترور حسنعلى منصور كه پس از شاه عامل اصلى تبعید امام شمرده مى‌شد به وسیله هیأت‌هاى مؤتلفه اسلامى، سوء قصد به جان شاه،(2) نقض استقلال و حاكمیت ایران،(3) ورود گسترده آمریكاییان به كشور و گسترش جرم و فساد ناشى از آن(4) و اوج‌گیرى احساسات ضد آمریكایى بخشى از آن پیامدهاى احیاى كاپیتولاسیون به شمار مىآید. (5)

**پی‌نوشت‌ها:**

1. پس از موضع‌گیرى سخت امام در قبال تصویب كاپیتولاسیون، در شب سیزدهم آبان 1343، صدها كماندو و مأمور مسلح با محاصره منزل امام، ایشان را دستگیر و پس از اعزام به فرودگاه مهرآباد بلافاصله به تركیه تبعید كردند. امام بعد از یك سال، از آن جا به نجف تبعید شد. فرزند ارشد ایشان، حاج آقا مصطفى خمینى نیز در روز بعد از دستگیرى امام دستگیر و به زندان قزل قلعه انتقال داده شد. ساواك پس از تبعید امام، طى اطلاعیه‌اى كه از رادیو پخش شد و در جراید عصر تهران منتشر گردید، خبر تبعید ایشان را بدین شرح اعلام داشت:

«طبق اطلاع موثق و شواهد و دلایل كافى چون رویه آقاى خمینى و تحریكات مشارالیه بر علیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضى كشور تشخیص داده شد، لذا در تاریخ 13 آبان ماه 1343 از ایران تبعید گردید.

سازمان اطلاعات و امنیت كشور» (روزنامه اطلاعات، 13/8/1343، ص 1)

2. به دنبال این سوء قصدها رژیم شاه دچار ناامنى شدید گردیده، در ساواك و پلیس افراد بىرحم و خشن، به جاى افراد میانه رو قدرت یافتند.(جیمز بیل، عقاب و شیر، ترجمه مهوش غلامى، انتشارات شهراب، تهران، 1371، ج 1 ص 262)

3. به طورى كه امام خمینى تصویب كاپیتولاسیون را امضاى سند بردگى ایران خواندند.

4. راه انداختن كازینوهاى قماربازى یا مشروب خوارى، مست آمدن به خیابان‌ها و رفتار اهانت آمیز آمریكایى‌ها نسبت به آداب و رسوم جامعه ایرانى از جمله این جرم و فسادها بود.

5. آمریكایىها در ایران به طور فزاینده‌اى هدف عملیات شناسایى و حمله قرار داشتند. تنها بین سال‌هاى 1971 تا 1975، 31 مورد بمب گذارى و تهدید به انفجار بمب، علیه تأسیسات و سازمان‌هاى آمریكایى در ایران انجام شد. (جیمز بیل، همان، ص 308)

**منبع:**

کتاب انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی آن (ویراست اول).

مولفان: جمعی از نویسندگان، ص 116 به بعد.